

روزنامه سراسری سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: میرایوب پیرایش قهوه چی
نشانی دفتر تبریز: خیابان امام خمینی (ره) - کلانترکچه -
کوچه ششم پلاک ۶۱ - طبقه اول
تلفن: ۳۳۳۰۲۷۷۴ (۰۴۱) و ۳۳۳۰۲۷۷۹ (۰۴۱)

تلفن: ۳۳۳۰۲۷۵۱ (۰۴۱)
آدرس پست الکترونیک: amine.mardom@yahoo.com
نشانی دفتر تهران: خیابان کارگر - نرسیده به چهارراه لشکر
روبروی ساختمان پست - پلاک ۸۵۱ طبقه سوم - واحد ۶
تلفن: ۶۶۴۹۴۳۱۸ (۰۲۱) و ۶۶۴۹۴۳۹۱ (۰۲۱)
چاپ: چاپ سبز

سه شنبه ۱۴ مهر ۱۴۰۵ / ۲۴ ربیع الثانی ۱۴۴۸ هـ. ق / 6 October ۲۰۲۶ / شماره ۷۳۲۴ / سال بیست و نهم

اهدافی که محقق شد؛ ۱۳ مدال رنگارنگ، ره آورد والیبال به مردم ایران



تیم ملی والیبال مردان ایران که روز ۲۹ مرداد، تهران را برای شرکت در تورنمنت اوا ترک کرده بود، پس از سفری طولانی و حضور در چندین رویداد و مسابقه فشرده، با کسب مقام نایب قهرمانی مردان آسیا و قهرمانی بازی های آسیایی به کشور بازمی گردد؛ سفری که در نهایت با تحقق یکی از مهم ترین اهداف والیبال ایران در سال ۱۴۰۵ همراه شد.

مردان والیبال ایران بامداد روز پنجشنبه ۲۹ مرداد برای برپایی اردوی برون مرزی و شرکت در تورنمنت چهار جانبه اوا، از طریق فرودگاه بین المللی امام خمینی (ره) راهی مسکو شدند و از آنجا با پروازی دیگر به شهر اوا در روسیه رفتند. ملی پوشان ایران در این تورنمنت به مقام نایب قهرمانی دست یافتند.

شاگردان روبرتو پیاتزا سپس به مسکو بازگشتند تا ضمن ادامه تمرینات آماده سازی، چند دیدار دوستانه برابر دینامو مسکو برگزار کنند و برای حضور در رقابت های قهرمانی مردان آسیا آماده شوند.

مسابقات والیبال قهرمانی مردان آسیا ۲۰۲۶ و مرحله نخست انتخابی المپیک ۲۰۲۸ لس آنجلس، از ۱۳ تا ۲۲ شهریورماه در شهر فوگوئوکا ژاپن برگزار شد. تیم ملی والیبال ایران در این رقابت ها با پنج پیروزی متوالی برابر نیوزیلند، هند، چین، چین تایپه و استرالیا راهی دیدار نهایی شد.

ملی پوشان ایران در فینال این رقابت ها برابر ژاپن میزبان قرار گرفتند و در دیداری نزدیک، مقابل دیدگان هزاران تماشاگر ژاپنی، نتیجه را واگذار کردند تا به مقام نایب قهرمانی و مدال نقره قهرمانی آسیا دست یابند.

تیم جوان ایران با میانگین سنی ۲۳ سال در این مسابقات به میدان رفت و برابر ژاپنی قرار گرفت که از تجربه و میانگین سنی بالاتری برخوردار بود. با وجود شکست در دیدار نهایی، عملکرد ملی پوشان ایران در این رقابت ها قابل توجه بود و سه بازیکن ایران نیز در تیم رویایی مسابقات قرار گرفتند. پوریا حسین خانزاده، علی حاجی پور و سید عیسی ناصری به ترتیب به عنوان بهترین دریافت کننده قدرتی، بهترین قطر پاسور و بهترین مدافع میانی این رقابت ها انتخاب شدند.

مردان والیبال ایران پس از پایان مسابقات قهرمانی آسیا، در شهر توسو به مدت یک هفته تمرینات آماده سازی خود را دنبال کردند و در ادامه این سفر

را رقم زدند؛ طلایی که همزمان با کسب نوزدهمین مدال طلای کاروان ورزش ایران، در تثبیت جایگاه ششم ایران در جدول نهایی بازی ها نیز نقش داشت. کسب دو مدال از دو رویداد مهم قهرمانی آسیا و بازی های آسیایی، از جمله اهداف اصلی فدراسیون والیبال ایران در این مقطع بود؛ هدفی که با توجه به اهمیت ویژه مدال طلای بازی های آسیایی برای ورزش کشور، ارزش دوچندانی داشت. در نهایت والیبال ایران با کسب یک مدال نقره و یک مدال طلا از این دو رویداد، این هدف گذاری را محقق کرد.

داستان مدال های والیبال ایران در سال ۱۴۰۵ به این دو سکو خلاصه نمی شود. ثبت ۱۳ مدال در شش ماه، تصویری از حضور گسترده والیبال ایران در رده های مختلف و در رشته های سالتی و ساحلی است؛ مجموعه ای از سکوها که از رقابت های پایه تا سطح بزرگسالان، از مسابقات آسیایی تا میدان جهانی، به دست آمده است.

والیبال ایران نیز امروز در نقطه ای قرار دارد که نسلی جوان و آینده دار در ترکیب تیم ملی شکل گرفته است. میانگین سنی ۲۳ سال تیم ایران در قهرمانی آسیا و بازی های آسیایی، نشانه ای از این تغییر نسل است؛ نسلی که در کنار بازیکنان باتجربه، فرصت حضور در رقابت های بزرگ را به دست آورده و حالا تجربه ارزشمندی از حضور در دو فینال مهم آسیایی در کمتر از سه هفته در اختیار دارد.

طلای ناگویا می تواند بخشی از این مسیر باشد؛ مسیری که ادامه آن به میزان اعتماد، حمایت و برنامه ریزی برای این نسل جوان بستگی خواهد داشت. بازیکنانی که امروز روی سکوی قهرمانی آسیا ایستاده اند، می توانند بخش مهمی از سرمایه انسانی والیبال ایران برای سال های آینده و رقابت های پیش رو باشند.

۱۳ مدال در شش ماه؛ دو مدال ارزشمند طلا و نقره در دو فینال مهم آسیایی و در نهایت، طلای ناگویا که هم هدف گذاری فدراسیون والیبال را محقق کرد و هم سیزدهمین نشان والیبال ایران در سال ۱۴۰۵ را به ثبت رساند. والیبال ایران در سال ۱۴۰۵ همچنان در مسیر ساختن آینده حرکت می کند؛ مسیری که یک سوی آن، نتیجه و مدال امروز است و سوی دیگر آن، ساختن نسلی برای فردای والیبال ایران.

طلایی با طعم انتقام؛

آذریپرا در بهترین جای ممکن تسویه حساب کرد

طلای امیرعلی آذریپرا در بازی های آسیایی ناگویا از همین جنس بود. طلایی که درخشش آن فقط به رنگ مدال خلاصه نمی شد و طعم شیرین یک انتقام بزرگ را هم با خود داشت.

آذریپرا برای رسیدن به سکوی نخست، درست در جایی ایستاد که می توانست بهترین پاسخ را به یک رقیب قدیمی بدهد. او در فینال مقابل آرش پوشیدا، کشتی گیر ایرانی الاصل ژاپن که قهرمانی آسیا را در کارنامه داشت، قرار گرفت، مبارزهای که از همان ابتدا فراتر از یک فینال ساده بود.

این بار اما نوبت آذریپرا بود که دستش بالا برود. او با شکست پوشیدا، نه تنها طلای بازی های آسیایی را به گردن آویخت، بلکه در مهم ترین صحنه ممکن و مقابل تماشاگران ژاپنی، پاسخی ورزشی به رقیبی داد که قهرمانی آسیا را از آن خود کرده بود.

شاید اگر این پیروزی در یک تورنمنت معمولی رقم می خورد، باز هم ارزشمند بود، اما ناگویا جای

دیگری برای این برد بود. بازی های آسیایی، فینال، روی تشک ژاپن و مقابل پوشیدا، همه چیز دست به دست هم داد تا طلای آذریپرا رنگ و لعاب دیگری پیدا کند.

برای آذریپرا، این مدال فقط یک طلای دیگر در کارنامه نیست. او در ناگویا نشان داد که گاهی بهترین زمان برای انتقام، همان لحظه ای است که هیچ صحنه ای بزرگ تر از آن وجود ندارد، جایی که یک پیروزی می تواند هم مدال طلا باشد و هم پاسخ به گذشته.

آذریپرا حالا از ناگویا با طلایی برمی گردد که برق بیشتری دارد. طلایی که در آن علاوه بر قدرت و مبارزه، مزه شیرین جبران هم دیده می شود. او قهرمان بازی های آسیایی شد، اما شاید ارزشمندترین بخش این قهرمانی این بود که این بار، در درست ترین زمان و درست ترین مکان، خودش تعیین کرد چه کسی باید دستش بالا برود.



امیرعلی آذریپرا از ناگویا با طلایی برمی گردد که برق بیشتری دارد.

بعضی طلاها فقط یک مدال نیستند، پشت شان داستانی هست که ارزش شان را چند برابر می کند.

PDF Compressor Free Version

ذکر روز سه شنبه

یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
”ای مهربان ترین مهربانان“

برگزاری اولین جلسه مجلس شورای ملی پس از پیروزی مشروطه (۱۳۸۵هـ)
اعلان جنگ امپراتوری عثمانی به روسیه تزاری (۱۲۷۸م)
آغاز جنگ چهارم اعراب و اسرائیل معروف به «جنگ رمضان» (۱۹۷۳م)
اعدام انقلابی «محمد انور سادات» رئیس جمهور خان مصر (۱۹۸۱م)
روز دامپزشکی

اگر ضمن قرض، شرط نشود که قرض گیرنده، تورم را ضامن هست و قرض گیرنده در موعد مقرر قرض را ادا کند؛ آیا قرض دهنده می تواند تورم ایجاد شده را مطالبه کند؟

به طور کلی طلبکاری می تواند مقدار کاهش ارزش پول (تورم) را مطالبه کند مگر در مواردی که شرط شده (هر چند به نحو اذتکاری) همان مبلغ پس داده شود مانند قرضی که مستاجر به صاحبخانه می دهد یا قرض الحسنه بانک ها.

پیامبر اکرم (ص)

لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْمَعِيَةَ جَعَلَ الْبَرَكَاتِ فِي الْحَرْثِ وَالْقَتْمِ .
چون خداوند، وسایل زندگی مردم را آفرید، برکت ها را در کشاورزی و گوسفندداری قرار داد.

داستان دنباله دار

ساغر قسمت بیست و نهم سعبده پیرایش

..پلک هم نمی زد. با چشم های گرد شده فقط به ساغر زل زده بود. مغزش هنگ کرده بود و کلماتی که می شنید هیچ ربطی به تصورش نداشتند. او فکر می کرد ساغر عرضه و جیب او را زیر سوال برده، اما حالا حرف هایی می شنید که اصلا توی میخوله اش هم نمی گنجید: مسخره کردن؟ امتحان کردن؟... کمال دهانش نیمه باز ماند، بی آنکه حتی یک کلمه بتواند جواب بدهد.

کمال چند دقیقه ای ساکت ماند و فقط به چهره ی کلافه ی ساغر خیره شد. انگار تازه داشت کلمات او را برای خودش حلاجی می کرد. بالاخره دست های کوچک ساغر را که مدام در هم می پیچید، توی دستش گرفت؛ گرم و محکم.

با صدایی که حالا آرام تر و جدی تر شده بود، گفت: «من هیچ وقت همچین کاری نمی کنم. اگه یه روز پول نداشته باشم، همون جا مردونه می کم بذار برای بعد... ولی جلوی غریبه؟ جلوی فروشنده؟ اگه می خواستم بذارم تو پارچه ای که دوست نداری رو بخری، یعنی بی عرضگی خود رو ثابت کرده بودم. تو زنی منی! من فکر کردم تو می ترسی پول کافی نداشته باشم، واسه همین اون چیزی که دوست نداشتی رو برداشتی که به من فشار نیاد... نمی خواستم این قدر هوامو داشته باشی که از خواسته ت بزی.»

ساغر که هنوز حرف های کمال توی ذهنش می چرخید، سرش را بلند کرد و مستقیم توی چشم هایش نگاه کرد. با صدایی که هنوز لرز داشت، گفت: «من اصلا به پول فکر نکردم... قسم می خورم! یعنی اگه می گفتم گرونه، همون جا پارچه رو می داشتم زمین، اصلا هم برام مهم نبود.»

سکوتی سنگین بین شان نشست. هر دو گیج و مات به هم زل زده بودند. تازه فهمیده بودند چه سوء تفاهم خنده دار و در عین حال تلخی پیش آمده.

چند لحظه بعد، ساغر در دلش با خودش فکر کرد: «خب، ما دیگه زن و شوهریم. اگه همین الان نفهمم مدل فکر کردنش چیه و آیا مثل شهاب می بینم یا نه، تا ابد باید با این ترس راه برم.»

آب دهانش را قورت داد، نفس عمیقی کشید و پرسید: «تو... تو چرا اون طور فکر کردی؟»

کمال، گیج و حیرت زده به چشمان ساغر نگاه کرد. ساغر حرفش را باز تر کرد: «یعنی منظورم اینه که چرا فکر کردی من می خوام بگم تو بی عرضه ای؟»

کمال سری تکان داد و گفت: «خب معلومه! همه ش می رفتی سراغ پارچه های گرون، قیمت می کردی، دست می زدی... ولی آخرش همون ارزونه رو برداشتی. اگه از اون ها نمی خواستی، چرا همه ش دست می زدی و هر جا می رفتم فقط سراغ همون ها می رفتی؟»

ادامه دارد